

«ایران» از احتمالات مختلف درباره آرایش جدید دیپلماسی امریکا در قبال ایران گزارش می‌دهد

سیاست خارجی در دست برج‌های

دیپلمات‌های مرتبط با مذاکرات محرمانه ایران و امریکا در کابینه بایدن حضور دارند

مریم سالاری
خبرنگار دیپلماسی

اگرچه پدیدار شدن زودهنگام نتیجه انتخابات ریاست جمهوری امریکا و تأثیر پیروزی «جو بایدن» بر روند اجرای توافق هسته‌ای با تردیدها و موانعی از سوی صاحب‌نظران سیاست بین‌الملل روبه‌رو است اما مباحث جاری پیرامون این توافق و تحلیل‌هایی که به واسطه انتخاب تیم سیاست خارجی جدید امریکا مطرح شده است بر این نقطه کانونی قرار دارد که تغییرات جدی در رویکرد دولتمردان جدید واشنگتن برای محقق کردن وعده بازگشت به برجام محتمل به نظر می‌رسد. بنابراین در شرایطی که احتمال می‌رفت تداوم سیاست برج‌های دونالد ترامپ، روند اجرای این توافق را وارد یک دوره فرسایشی کند، حضور بایدن و تیمی از دیپلمات‌های با سابقه‌ای که برای سیاست خارجی خود در نظر گرفته است، چشم‌انداز رو به جلویی را برای کاستن از اختلافات در رابطه بحرانی تهران و واشنگتن به تصویر می‌کشد.

چهار دیپلماتی که در حلقه تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی دولت جدید امریکا قرار دارند، چهره‌های شناخته‌شده‌ای برای ایران هستند. «آنتونی بلینکن»، وزیر خارجه، «جیک سالویان»، مشاور امنیت ملی، «وندی شرم» و معاون وزیر امور خارجه و ویلیام برنز، ریاست سازمان سیا (سی‌آی‌آی) همگی در دوره ریاست نخستین باراک اوباما از مشاوران کاخ سفید بودند و از چهره‌های نزدیک به «بایدن» به شمار می‌آیند که در سیاست خارجی دیدگاهی میانه‌رو دارند.

«بلینکن» ۵۸ ساله که پیشتر یکی از نزدیک‌ترین مشاوران سیاست خارجی جو بایدن بوده است، به عنوان شخصی آرام و اهل مشورت شناخته می‌شود که بر سیاست خارجی کاملاً مسلط است. نخستین دستور کار او ترسیم روابط واشنگتن با کشورهایی است که تحت لوای سیاست «امریکا اول» از میان رفته است. «بایدن» در سال ۲۰۱۵ و زمانی که معاون اول اوباما بود، درباره «بلینکن» گفته بود: «او یک ستاره واقعی است که نه تنها مورد تحسین و احترام رئیس جمهور و من قرار دارد، بلکه همتایانش در سراسر مناطق جهان هم همین نظر را درباره وی دارند. تونی هم همانند ویلیام برنز سبک و شیوه‌ای دارد که می‌تواند کارها را انجام دهد. او قادر به ایجاد روابط دیپلماتیک قوی است چون دارای صداقت مطلق است. من سال‌ها این فرصت را داشتم که با وی کار کنم. او آزمایش‌اش را پس داده و تحت فشار هم عملکرد خوبی داشته است».

«بلینکن» در کنار «سالویان» دومره کلیدی تیم امریکا در مذاکراتی بودند که در دوره پیش از ریاست جمهوری حسن روحانی در عمان کلید خورد. مذاکراتی که بعدها و در دوره ازسریگیری مذاکرات رسمی با ایران، «شرمن» هم به آن پیوست و به این ترتیب تیمی تشکیل شد که برای محقق کردن اهداف دولت باراک اوباما و گره‌گشایی از اختلاف چندین ساله هسته‌ای ایران، نوید بخش بود. بازسازی اعتماد متحدان امریکا و بازگشت به توافقی‌های بین‌المللی از جمله توافقی هسته‌ای با ایران از جمله اقداماتی است که به نظر می‌رسد «بلینکن» در شروع کار خود در پیش گیرد. او پیش از انتخابات امریکا دیدگاهش را درباره بازراه‌ش تردامپ درباره برجام و نحوه مواجهه ایران این طور تشریح کرده بود: «تنها کاری که ایران واقعا داشت با حسن نیت انجام می‌داد، توافق هسته‌ای بود، همان چیزی که ما اکنون پاره‌اش کرده‌ایم. تردید دارم که ایران بخواهد با دولت امریکا مذاکره کند اما این قطعا بهتر از گزینه کشیده شدن به درگیری است».

نقش آفرینی «جیک سالویان» ۴۳ ساله که پیشتر به عنوان دستیار امنیتی «بایدن» در دوران معاونت ریاست‌جمهوری او کار می‌کرد، در برقراری ارتباط تلفنی روحانی و اوباما هم می‌تواند یادآوری خوبی باشد که او به عنوان یکی از طراحان کانال محرمانه عمان تا چه اندازه معتقد به مشارکت در اقداماتی است که دیپلماسی را راه‌حل اصلی محقق کردن اهداف اصلی کشورش می‌داند. او در اکتبر ۲۰۱۹ در

عبور از یک میدان سخت سیاسی

رئیس جمهور جدید امریکا وعده داده در صورت تعهد ایران به توافق هسته‌ای، او نیز به این توافق خواهد پیوست، اما شرط محقق شدن چنین رویدادی را عبور مجدد تهران و واشنگتن از یک میدان سخت سیاسی دانسته است. «بایدن» پیش از انتخابات در مقاله‌ای نوشته بود در مقام رئیس جمهوری ایالات متحده تعهدی تزلزل‌ناپذیر به جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای خواهد داشت. او این طور استدلال کرده بود که بهترین راه برای دستیابی به چنین هدفی، ورود مجدد ایالات متحده به برجام است: «من راهی معتبر برای بازگشت به دیپلماسی پیش‌روی تهران خواهم گذاشت. اگر ایران به تعهد کامل به توافق هسته‌ای بازگردد، ایالات متحده نیز دوباره به توافق نقطه آغاز مذاکرات بعدی، به توافق می‌پیوندد.» ناگفته نماند که در صورت همراهی ایران با این سیاست، رسیدن به فرمولی که امکان بازگشت به برجام را برای امریکا فراهم کند و ایران را نیز به ازسرگیری

حضور قوی‌ترین افراد در دستگاه تصمیم‌گیری سیاست خارجی «بایدن» نشان می‌دهد که عزم دولت جدید امریکا برای بازسازی سیاست خارجی یکجانبه‌گر ایانه ترامپ و بازگشت به عصر ائتلاف‌های چندجانبه در سراسر جهان در اولویت قرار گرفته است. خاصه آن که هر چهار نفر معتقدند که برجام در سال ۲۰۱۵ توافقی بوده که منافع ملی امریکا را محقق کرده است و همه آنها خروج این کشور از این توافق را حاصل محاسبه اشتباه ترامپ می‌دانند و خواهان بازسازی اشتباهی هستند که معتقدند عواقب سختی را نه فقط برای امریکا، که برای جامعه بین‌الملل به دنبال دارد. آنها فکری می‌کنند که ایالات متحده و ایران هر دو می‌توانند از مذاکرات در مورد برنامه هسته‌ای ایران و سایر حوزه‌های درگیری بین دو کشور بهره‌مند شوند

اجرای تعهدات برج‌های اش وادار، کار آسانی نخواهد بود.

«بایدن» برای رسیدن به این هدف، یک تیم مجرب را در اختیار گرفته است و می‌تواند از تخصص دیپلمات‌هایی که در مذاکرات هسته‌ای نقش کلیدی داشتند، بهره‌بیرد. بویژه که یافتن راهی برای جلب حمایت کنگره در شرایط کنونی که دموکرات‌ها کنترل سنا و مجلس نمایندگان را به دست آورده‌اند، آسان‌تر از همیشه به نظر می‌رسد. «بایدن» باید بتواند تضمین دهد که اگر ایران به تعهدات خود در توافق متعهد باشد، ایالات متحده نیز چنین خواهد کرد.

بررسی فرمول بازگشت به برجام

رئیس جمهور جدید امریکا در جدیدترین گفت‌وگویش به نیویورک تأکید کرده است تیم او به دنبال مذاکرات تکمیلی با تهران با حضور همسایه‌های عرب ایران خواهد بود. اما او بازگشت به برجام را منوط به انجام این طور به نظر می‌رسد که مهمترین نسخه مورد نظر او بازگشت دوطرفه ایران و امریکا به برجام است، یعنی لغو تحریم‌های هسته‌ای در ازای اجرای تام و تمام تعهدات هسته‌ای ایران؛ اقدامی که به نظر می‌رسد تأثیرگذارترین قدم در مرحله اول برای جلب اعتماد از دست رفته باشد.

گزینه دیگری که در پرونده هسته‌ای ایران درباره آن سخنی به میان آمده

«آنتونی بلینکن»، سیاستمدار ۵۸ ساله دموکرات که به عنوان وزیر خارجه دولت «جو بایدن» معرفی شده است از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۱ در شورای امنیت ملی امریکا فعال بوده است. تجربه کار جدی او با بایدن از سال ۲۰۰۲ آغاز شد. «بلینکن» در این سال به عنوان مدیر دفتر کمیته روابط خارجی سن منصوب شد و تا سال ۲۰۰۸ در این سمت بود. او در سال ۲۰۰۸ در کمپین انتخاباتی بایدن حضور داشت و عضوی از تیم انتقالی اوباما-بایدن بود. «بلینکن» از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ به عنوان معاون مشاور امنیت ملی امریکا در دولت اوباما مشغول به فعالیت بود که در این مدت در طراحی استراتژی امریکا در قبال افغانستان، پاکستان و ایران فعالیت داشت. وی از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ در کابینه «اوباما»، معاون مشاور امنیت ملی بود و از سال ۲۰۱۵ تا پایان دوره ریاست جمهوری وی در سمت معاون وزیر خارجه فعالیت کرد.



جیک سالویان که در سن ۴۴ سالگی، جوان‌ترین مشاور امنیت ملی در چند دهه اخیر خواهد بود، پیشتر در دولت اوباما در وزارت خارجه به عنوان مدیر برنامه‌ریزی سیاستی به عنوان جانشین رئیس ستاد وزیر خارجه هیلاری کلینتون فعالیت می‌کرد. او در دوره مسئولیتش به عنوان مشاور کلینتون به عنوان یکی از مشاوران ارشد شناخته می‌شد و به بیش از ۱۲۰ کشور سفر کرد. پس از کناره‌گیری کلینتون در سال ۲۰۱۳ از وزارت خارجه، سالویان به عنوان مشاور امنیتی ارشد بایدن، معاون اول وقت رئیس‌جمهور، انتخاب شد. او در این سمت نقشی کلیدی در شکل دادن به سیاست خارجی امریکا در قبال سوریه، لیبی و میانمار ایفا کرد. در همین دوره بود که در نوامبر ۲۰۱۳ از طرف دولت اوباما موظف شد تا به عنوان یک رابط پنهان و ناشناس با مقامات ایرانی ارتباط برقرار کند و احتمال عقد یک توافقنامه را در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران بسنجد.



کامل قطعنامه ۲۲۳۱ ملزم کند بدون آن که از حقوق و وظایف یک عضو در برجام بهره‌مند باشد. چه بر این اساس، ایران میان اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ و معتقد است که امریکا بعد از اجرای تعهداتش ذیل قطعنامه مورد اشاره، برای مشارکتش به عنوان عضوی از برجام باید با ایران گفت‌وگو کند. بدون تردید پیش از آغاز هر اقدامی دولت بایدن باید در گام اول درباره دیگر تحریم‌های ترامپ پس از اجرایی شدن توافق از جمله تحریم‌ها علیه بانک مرکزی ایران تصمیم‌گیری کند. چه بسیاری از این تحریم‌ها بدون هیچ ارتباطی با فعالیت هسته‌ای ایران به برنامه موشک‌های بالستیک، مسائل حقوق بشر و آنچه حمایت ایران از نیروهای نیابتی در منطقه مانند حزب‌الله و حماس خوانده می‌شود، مربوط هستند و دولت ترامپ با هدف پیچیده‌تر کردن عملیات برگشت بایدن به توافق و مذاکره با ایران صورت داده بود. در کنار این، حضور دیپلمات‌های کلیدی در روند دستیابی به برجام و اراده‌ای که در تهران و واشنگتن برای گره‌گشایی از رابطه پیچیده و بحرانی شکل گرفته است، می‌تواند نقطه عزمی برای شروع دوباره پایبندی به یک توافق باشد؛ توافقی که بی‌تردید برای مصون ماندن از آسیب رفتارهای سلیقه‌ای تصمیم‌گیران امریکایی با شرایط جدیدی به اجرا درخواهد آمد.

احیای این توافق و جبران آسیب‌های اقتصادی دو سال گذشته‌اش است تا با بازپایی اعتماد از دست رفته شاید بتوان نسخه عاجلی برای کاستن از مناقشات در رابطه بحرانی تهران و واشنگتن پیدا کرد. وزیر خارجه ایران در جدیدترین مواضعی که در گفت‌وگو با سایت رهبری انجام داد، برداشتن تحریم‌های نفتی و تسهیل مبادلات بانکی را از عاجل‌ترین اقداماتی توصیف کرد که دولت «بایدن» باید در دستور کار قرار دهد. ظریف در همین چارچوب توجه دولت امریکا را به ضمیمه دوم برجام جلب کرده و گفته این ضمیمه تأکید بر آثار اقدامات دارد. به این معنا که فقط امضای رئیس جمهور امریکا برای لغو تحریم‌ها کافی نیست و اثرات ملموس آن بر نحوه تبادلات اقتصادی و بانکی باید به‌طور مشهودی بر زندگی اقتصادی مردم ایران قابل مشاهده باشد. به گفته وزیر خارجه ایران بعد از قطعنامه ۲۲۳۱، حضور امریکا در برجام تنها در صورتی مفید است که مزایای اقتصادی برای ایران داشته باشد. در حقیقت متعاقب دیدگاه ایران، جایگاه برجام زمانی تقویت می‌شود که امریکا به عنوان عضو شورای امنیت به اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ بازگردد؛ پذیرشی که به پشتوانه حقوقی برجام تبدیل می‌شود و ضعف‌های برجام از جمله فقدان ماده خروج را به نوعی رفع می‌کند. در همین چارچوب ایران معتقد است امریکا می‌تواند مانند سایر کشورها خود را یکبار دیگر به اجرای

راه‌ترغیب تهران

به هر روی فارغ از آنچه که ممکن است بزودی در واشنگتن درباره برجام اتفاق بیفتد، راه ترغیب تهران با هدف ازسرگیری تعهدات برج‌های اش، ابتدا